

# توانایی اجتماعی پایه‌ای برای توسعه شهری و منطقه‌ای\*

\*\* مهندس سیدحسین معصومی اشکوری

۸۱/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت مقاله:

۸۲ / ۸ / ۳

تاریخ پذیرش نهایی:

## چکیده:

فرآیند توسعه شهری و منطقه‌ای<sup>۱</sup> دارای جنبه‌های نظری متعددی است که بر پایه آنها عامل‌های گوناگون دخیل در این فرآیند مطرح می‌گردد. کلیه این نظریه‌ها بر این باورند که شهر یا منطقه توسعه یافته به سبب برخوردار نبودن از کارکردهای آن عامل‌ها، عقب مانده تر از شهر یا منطقه توسعه یافته می‌باشد. در حالی که احتمال دارد در عقب ماندگی یک جامعه نیز مزیتی نهفته باشد. برای شهرها یا منطقه‌های دارای سطح پایین بهره‌وری، این امکان وجود دارد که از طریق جذب فن‌آوری پیشرفته تولید از ناحیه‌های توسعه یافته تر، فرآیند<sup>۲</sup> "رسیدن" به سطح آنها را آغاز کنند. شرط لازم تحقق پدیده رسیدن وجود میزان کافی<sup>۳</sup> توانایی اجتماعی<sup>۴</sup> است. در دو جامعه با توانایی اجتماعی متفاوت، جامعه باتوان بالاتر رشد سریع تری خواهد داشت؛ اما سرانجام هر دو جامعه به سوی نقطه همگرایی میل خواهند کرد. سطح توانایی اجتماعی در هر شهر یا منطقه بیانگر میزان دست‌یابی آن شهر یا منطقه به سطحی از توسعه می‌باشد که در پی آن کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای حاصل می‌آید. توانایی اجتماعی هر شهر یا منطقه بر دو عامل اساسی "توان همگرایی"<sup>۴</sup> به شکل توان "تبادل فضایی"<sup>۵</sup> و "مزیت اجتماعی"<sup>۶</sup> در قالب سطح "سرمایه انسانی"<sup>۷</sup> استوار است. این مقاله می‌کوشد با استفاده از نتایج مورد پژوهی‌ها در مورد پدیده توسعه شهری در کشور، مقوله‌های فوق را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.<sup>۸</sup>

## واژه‌های کلیدی:

توسعه شهری و منطقه‌ای، نظریه رسیدن، توانایی اجتماعی، توان همگرایی، تبادل فضایی، مزیت اجتماعی، سرمایه انسانی.

این مقاله نتیجه فرضیه اول رساله دکتری نگارنده تحت عنوان "توسعه صنعتی و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران (سال‌های دهه ۱۳۴۰ هـ.ش به بعد)" در رشته شهرسازی است. بدین وسیله تشکر خود را از جناب آقای دکتر اسفندیار زبردست استاد راهنما و جناب آقای مهندس احمد سعیدنیا استاد مشاور رساله و اعضای هیأت علمی گروه آموزشی شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اعلام می‌دارم.

E-Mail: E\_M\_ESHKEVARI@HOTMAIL.COM

کارشناس ارشد شهرسازی (برنامه ریزی شهری).

## مقدمه

و محیطی مورد توجه قرار داشت. حساس بودن مکان مورد نظر، شهرهایی که آمادگی پذیرش صنایع جدید را دارا باشند؛ اما سابقه عمده صنعتی نداشته باشند؛ نزدیکی به یک شهر کوچک یا بزرگ، نزدیکی به بزرگراه ها، راه آهن، وجود آب کافی جهت مصرف واحدهای صنعتی و وجود محیط اقلیمی مناسب و قابل سکونت از جمله این عامل ها بودند (معصومی اشکوری، ۱۳۸۱).

بدین ترتیب، رویکردهای نظری مختلف برای تبیین زمینه های هموار سازنده بستر توسعه شهری و منطقه ای بر عامل ها و بعدهای گوناگونی تاکید نموده اند. یک مقوله اساسی و موثر در شکل دهی به پدیده توسعه یا در ایجاد تسریع در این پدیده، قابلیت اندوخته شده در ناحیه های عقب مانده و پیرامونی بر اثر تعامل با ناحیه های توسعه یافته تر می باشد که به شکل "توانایی اجتماعی" تبلور می یابد. نظریه "رسیدن"<sup>۱۲</sup>، چارچوب مفهومی این قابلیت را در ابعاد "توان همگرایی"<sup>۱۳</sup> و "مزیت اجتماعی"<sup>۱۴</sup> نظریه مند می سازد.

پدیده توسعه شهری و منطقه ای توسط عامل های متعدد و گوناگونی تسهیل می گردد. برخی سطح توسعه را متناسب با ماهیت و اندازه فعالیت های اقتصادی عنوان می نمایند؛ و پنج عامل ماهیت فعالیت های رشد، منابع طبیعی قابل دسترسی، ماهیت و کیفیت زیر ساخت ها، عامل های ساختاری، و سطح درآمد و نحوه توزیع آن در ناحیه را در نظر می گیرند (Renouil, 1972) و بعضی نیز عامل های اقتصادی چون صرفه جویی های تراکمی<sup>۹</sup> را که به شکل های صرفه جویی مقیاس<sup>۱۰</sup> و صرفه جویی مکانی یا شهری<sup>۱۱</sup> تبلور می یابند؛ مبنای ایجاد توسعه برمی شمردند (Hilhorst, 1998).

در برنامه های سوم و چهارم عمرانی کشور (پیش از انقلاب اسلامی) که برای نخستین بار گامی برای توزیع جغرافیایی سرمایه گذاری در سطح ناحیه های مختلف برداشته شد؛ و با هدف عدم تمرکز در فعالیت های صنعتی از تهران، برنامه توسعه شهری و صنعتی در دیگر منطقه های کشور طراحی گردید؛ عامل های سیاسی، توزیعی، زیرساختی، جمعیتی

## نظریه های زمینه ساز

یکی از اساسی ترین موضوع های توسعه شهری و منطقه ای، یعنی مقوله "پایه صادراتی"<sup>۱۵</sup>، در نظریه "رشد منطقه ای"<sup>۱۶</sup> مورد بررسی قرار گرفته است (Hoover, Fisher 1949). توسعه از این چشم انداز متکی بر وجود فعالیت های پایه و اساسی در شهر یا منطقه است که خود موجب گسترش فعالیت های غیر اساسی می شود (Richardson, Townro, Darvent, 1989). مزیت اصلی این نظریه این است که با تاکید بر فعالیت های پایه و اساسی، چارچوبی برای توسعه درازمدت منطقه ای ایجاد می کند. پیوند توسعه شهری و منطقه ای با این عقیده که شهرهای برون گرا و دارای همگرایی بیشتر یا عامل های خارجی می توانند مرکز نوآوری باشند در قالب نظریه "توسعه منطقه ای پویا"<sup>۱۷</sup> مطرح گردیده است (Friedmann, 1961). در نظریه "پیوندهای فضایی و توسعه صنعتی"<sup>۱۸</sup> عنوان شده است تقویت توسعه در شهرهای متوسط و کوچک و پیوند این شهرها با ناحیه های روستایی پیرامون از طریق تشویق تبادل فضایی، راه انتقال منافع توسعه را به ناحیه های پیرامونی هموار می نماید<sup>۱۹</sup> و موجب پیدایش سازمان فضایی کارآمد می شود (Petrella, 1972). نظام سلسله مراتب شهری<sup>۱۹</sup> نیز عاملی برای انتشار فن آوری، نوآوری های جدید، اطلاعات و فعالیت های توسعه زا به ناحیه های پیرامونی

قلمداد می گردد (U.N.C.R.D., 1975). تبادل فضایی به عنوان "نیروی محرکه (موتور) توسعه" شهری و منطقه ای نیز شناخته شده است که بر پایه "مزیت های نسبی"<sup>۲۰</sup> عمل می نماید (Seers, 1977). نظریه "توسعه منطقه ای برون گرا"<sup>۲۱</sup> نیز بر مقوله تبادل فضایی مبتنی است و عنوان می کند که سطح توسعه منطقه ای به میزان تحرک فعالیت های توسعه زا در آن بستگی دارد (Richardson, 1978). همچنین بر پایه این نظریه، تخصصی شدن شهر یا منطقه ای در قلمروی از فعالیت های توسعه ای، زمینه مطلوب را برای توسعه فراهم آورد (Misra, 1982). جلب منابع خارجی اعم از منابع سرمایه ای یا فن آوری برای تسریع رشد و توسعه شهری و منطقه ای با ارتباط داشتن با خارج از مرزهای منطقه ای تردید ناپذیر است؛ بدین ترتیب تاثیر عامل تبادل فضایی، اثر تسریع کننده بر فرآیند توسعه خواهد داشت (Lewis, 1982). هیرشمن<sup>۲۲</sup>، این عامل را "اصل دست پنهان"<sup>۲۲</sup> می نامید. در چارچوب "اثر ساختار منطقه ای"<sup>۲۴</sup> رشد ناحیه های بسیار موفق در فرآیند توسعه در قالب ساختار مطلوب صنعتی آنها تبیین می گردد (Hall, 1986). بنابراین الگوی توسعه صنعتی یا فقدان آن تحت تاثیر اثر ساختاری قرار داد.

مطرح نمود، منطقه‌ها و شهرهای عقب مانده از نظر فن آوری، از توان بالقوه‌ای برای کم کردن شکاف بهره‌وری خود یا ناحیه‌های پیش‌تاز برخوردارند. تحقق یافتن این توان بالقوه به میزان "توانایی اجتماعی" یک جامعه بستگی دارد که با خود "مزیت اجتماعی" منطقه یا شهر را نیز به همراه دارد. هم سطح شدن و کاهش شکاف میان ناحیه‌های عقب مانده و توسعه یافته، به مفهوم "پدیده رسیدن" است. این پدیده در مقوله مبادله فضایی معنا دار می‌شود؛ و سطح توانایی اجتماعی در یک شهر یا منطقه، شکاف در میزان فن آوری و توسعه را کاهش می‌دهد (Hansson, Henrikson, 1997).

عامل بالقوه تعیین کننده سطح توانایی اجتماعی یک شهر یا منطقه، میزان همگرایی آن با اقتصاد سطح های بالاتر است، در مورد این که چرا مشارکت بیشتر در تبادل فضایی، پدیده رسیدن و در پی آن میزان توسعه را تقویت می‌کند؛ استدلال‌های زیادی وجود دارد:

۱) انتقال فن آوری با جریان تبادل فضایی ارتباط مستقیم

دارد و در نتیجه سطح بهره‌وری را در شهر یا منطقه ارتقاء می‌بخشد (Hansson, Henrikson, 1997).

۲) هرچه فعالیت های اقتصادی بیشتر در معرض تبادل فضایی قرار گیرند، میزان مواجهه با فن آوری های نوین و

انطباق با آنها جهت حفظ قدرت رقابتی بیشتر خواهد شد (Baumol, 1986, Alam, 1992).

۳) هرچه میزان همگرایی یک شهر یا منطقه با منطقه یا دنیای بیرونی خود بیشتر باشد، از نظر اجتماعی، توانایی آن در رسیدن به سطح های پیشرفته تر توسعه بیشتر خواهد شد (Lewis, 1955).

۴) هرچه میزان همگرایی یک شهر یا منطقه با منطقه یا دنیای بیرونی خود بیشتر باشد، از نظر اجتماعی، توانایی آن در رسیدن به سطح های پیشرفته تر توسعه بیشتر خواهد شد (Hansson, Henriksson, 1997).

این پدیده برای توسعه شهری و منطقه‌ای از اهمیت حیاتی برخوردار است. پژوهش‌های متعددی پیرامون رابطه آموزش و بهره‌وری از همبستگی فراوان آنها خبر می‌دهند. یعنی اثرهای مثبت سرمایه گذاری در زمینه سرمایه‌های انسانی بر توسعه شهری و منطقه‌ای مشهود است (Katz, 1992, psacharopoulos, 1993). بدین ترتیب پدیده رسیدن با سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و بازبودن درهای تبادل فضایی از عامل‌های تعیین کننده توسعه شهری و منطقه‌ای می‌باشد (Summers, 1991).

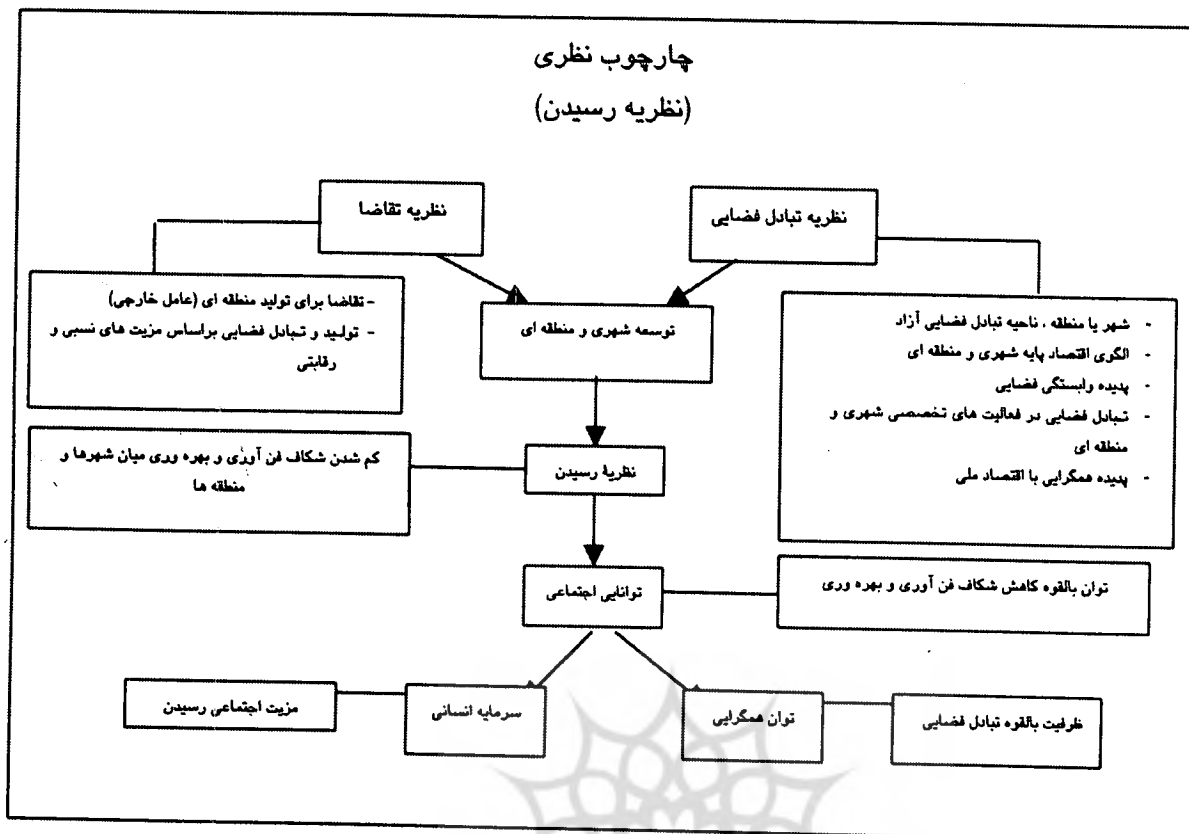
در سال ۱۹۵۲، گرشن کرون<sup>۲۵</sup>، اعلام نمود که در عقب ماندگی یک جامعه احتمال دارد مزیتی نهفته باشد، و به این ترتیب واژه "رسیدن" را مطرح کرد. برای جامعه‌های دارای سطح پایین تر بهره‌وری، این امکان وجود دارد که از طریق جذب فن آوری پیشرفته از جامعه‌های توسعه یافته تر، فرآیند "رساندن" خود را به سطح آنها آغاز کنند (Gerschenkron, 1952). شرط لازم برای تحقق اثر یا پدیده رسیدن، میزان کافی "توانایی اجتماعی" است. یعنی جامعه فقیرتر باید از توان جذب فن آوری‌ها پیشرفته برخوردار باشد (Abramovitz, 1986). عامل‌های متعددی ممکن است در ایجاد توانایی اجتماعی در یک جامعه مهم باشند. مهم‌ترین عامل‌های مبین این پدیده، میزان همگرایی و اندازه ذخیره سرمایه انسانی در جامعه است (Bergstrom, 1998). نظریه رسیدن می‌تواند در یک چارچوب منسجم نظری، رویکردی نوین برای توسعه شهری و منطقه‌ای باشد. این مقاله در تدوین این چارچوب نظری کوشیده است.

چارچوب نظری رسیدن

نظریه‌های فضایی<sup>۲۶</sup> در مورد توسعه منطقه‌ای بیشتر از دو منبع نظری با ماهیت اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شوند. "نظریه تبادل فضایی"<sup>۲۷</sup> و "نظریه کنزی تقاضا"<sup>۲۸</sup>، در نظریه نخست فرض بر این است که شهرها و منطقه‌ها به عنوان "ناحیه‌های آزاد مبادله‌های فضایی" عمل می‌کنند. بدون تعریف و در شرایط مبادله آزاد، فارغ از پایش‌های مهاجرت، مبادله و گردش سرمایه. براساس نظریه دوم، تقاضا برای تولید منطقه‌ای عاملی خارجی محسوب می‌شود (تقاضای موجود در خارج از منطقه) و تولید براساس "مزیت‌های نسبی و رقابتی"<sup>۲۹</sup> موجود در منطقه انجام می‌گیرد. پدیده "وابستگی فضایی"<sup>۳۰</sup> در این رهگذر از میزان وابستگی سطح توسعه یک شهر یا منطقه به تبادل فضایی و میزان تاثیرگذاری آن بر شهرها و منطقه‌های دیگر حکایت می‌کند. از لحاظ جغرافیایی این فرآیند به شکل تخصصی شدن تولید منطقه‌ای و مبادله فضایی کالاهای تخصصی تبیین می‌شود. الگوهای پیوند رشد منطقه‌ای بر فعالیت‌های توسعه‌زا و قابل مبادله اتکا دارند و به "رویکرد پایه صادراتی"<sup>۳۱</sup> در علم اقتصاد فضا مربوط می‌شوند، و در این میان پدیده "همگرایی" را در رابطه با تبادل فضایی مطرح می‌نمایند (Malmberg, 2000).

وجود تقاضا برای تولید در بازارهای خارج از منطقه، با تقویت فعالیت‌های پایه براساس مزیت‌های نسبی و رقابتی، امکان رخ نمودن پدیده تبادل فضایی را به وجود می‌آورد. و به تخصصی شدن شهر یا منطقه در فعالیت‌های توسعه‌زا منجر می‌گردد. این مقوله در بستر نیل به همگرایی با دیگر شهرها و منطقه‌ها قابل جمع بندی است. در این زمینه است که می‌توان

### چارچوب نظری (نظریه رسیدن)



### شاخص های توانایی اجتماعی

دست یابی به آموزش در جمعیت ۲۵ ساله و بالاتر در مقطع های ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی (Wolff, Gittleman, 1993)، شمار سال های تحصیلی نیروی کار و سهم هزینه های آموزش سرانه از محصول ناخالص داخلی (Bergstrom, 1998)، از جمله شاخص هایی هستند که پیشنهاد گردیده است. شاخص هایی مانند نرخ نام نویسی در مقطع های مختلف و نرخ باسوادی چندان پاسخ گو نیستند؛ زیرا پدیده افت تحصیلی و ترک تحصیلی را نادیده می گیرند. اما شاخص هایی چون میانگین نرخ سواد بزرگسالان ۱۵ ساله و بالاتر و یا میانگین سال های تحصیلی جمعیت ۲۵ سال و بالاتر که جزو نیروی فعال اقتصادی محسوب می شوند؛ بیشتر کاربرد دارند.

شاخص هایی چون درصد دانشمندان و یا مهندسان در نیروی فعال اقتصادی نیز از جمله شاخص های بسیار گویا برای تبیین سطح سرمایه انسانی و مزیت اجتماعی در منطقه به شمار می روند. در این مقاله برای محاسبه سطح سرمایه انسانی و مزیت اجتماعی در شهرها از شاخص کل "سطح تخصص" در شهرها استفاده شده است.

این شاخص مرکب خود از سه شاخص مجزای نسبت افراد دیپلم و بالاتر در نیروی فعال اقتصادی، نسبت افراد لیسانس و بالاتر در نیروی فعال اقتصادی و نسبت افراد لیسانس و بالاتر در افراد دیپلم و بالاتر در نیروی اقتصادی تشکیل شده است. تجربه توسعه شهری و منطقه ای در ایران از سال های دهه

در بسیاری از اسناد و مدارک، شاخص تبادل فضایی و میزان همگرایی منطقه ها و شهرها در یک کشور با روش ضریب مکانی میزان اشتغال در فعالیت های اقتصادی مختلف محاسبه شده است. این الگو در واقع بیانگر رابطه میان اندازه اشتغال و توان همگرایی و تبادل فضایی شهرها و منطقه های مختلف است (Flegg, 2000). نقش سنتی ضریب مکانی، بر آورد ضریب همگرایی شهری و منطقه ای است که سهم فعالیت های شهری یا منطقه را در تبادل فضایی فعالیت های اقتصادی در سطح ملی مشخص می کند. در این مقاله نیز برای محاسبه توان همگرایی شهری از شاخص میزان اشتغال در فعالیت های اقتصادی و روش ضریب مکانی استفاده شده است. البته می توان از شاخص های ارزش افزوده یا ارزش تولید و یا میزان تولید در فعالیت های اقتصادی به همراه روش ضریب مکانی نیز بهره گرفت.

سطح سرمایه انسانی به عنوان دومین عامل توانایی اجتماعی و بیانگر مزیت اجتماعی در شهرها و منطقه ها براساس شاخص های متعددی قابل محاسبه است. نرخ نام نویسی در مقطع های مختلف آموزش عمومی (Lucas, 1988)، نرخ نام نویسی در مقطع متوسطه (Levin, Renat, 1992)، میانگین سال های تحصیلی افراد ۲۵ سال و بالاتر (Barro, 1992)، نرخ

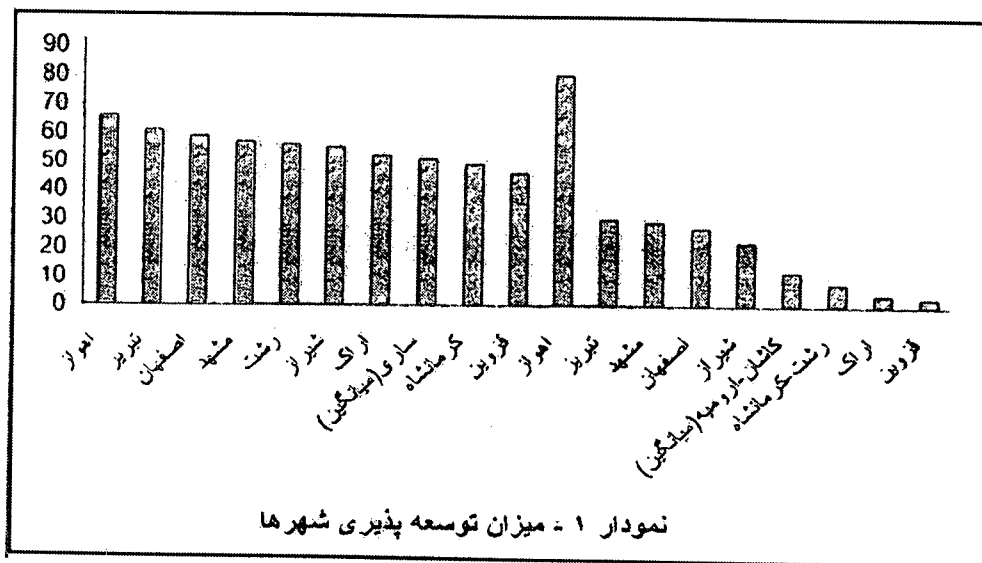
صنعتی فعال گردیدند. این زمان مصادف با اجرای طرح ایجاد مجتمع‌های صنعتی و مراکزهای صنعتی در کلیه شهرهای مرکز استان بوده است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های سازندگی اقتصادی طراحی شده بود.

گمانه اصلی در این مقاله براین است که پدیده توانایی اجتماعی (توان همگرایی و مزیت اجتماعی) در ۱۰ شهرهای ۱۰ گانه برای گزینش آنها به عنوان مراکزهای رشد و رقیب تهران در بهنه سرزمین ملی نقش مهمی ایفا نموده است. این شهرها طیفی از شهرهای کوچک و متوسط و بزرگ را در سال ۱۳۴۵ هـ ش که سال میانه اجرای برنامه سوم و زمینه ساز اجرای برنامه چهارم بود؛ تشکیل می دادند. از میان آنها ۷ شهر را شهرهای متوسط و بزرگ تشکیل می دادند. در کلیه این شهرها ضریب توان همگرایی فعالیت‌های اقتصادی بالاتر از یک بوده است.<sup>۲۳</sup> به این مفهوم که این بعد از توانایی اجتماعی در آنها بسیار بالا بود. این ضرایب در شاخص توان همگرایی صنعتی نیز در کلیه ۱۰ شهر بالاتر از یک بود که خود تثبیت کننده نتیجه فوق می باشد (جدول ۱). از بعد مزیت اجتماعی " شاخص مهارت"<sup>۲۴</sup> در شهرهای برگزیده در محدوده ۱۱-۴ درصد نیروی فعال اقتصادی محاسبه گردیده است. " شاخص تخصص"<sup>۲۵</sup> نیز در کلیه آن شهرها از ۷ درصد بالاتر بود و حداکثر تا ۲۷ درصد نیز مشاهده می شود (جدول ۱).

۱۳۴۰ هـ ش با برنامه های سوم و چهارم عمرانی (پیش از انقلاب اسلامی) آغاز گردید. در این دو برنامه به منظور توزیع جغرافیایی سرمایه گذاری های صنعتی و با هدف عدم تمرکز فضایی در صنعتی شدن و نیز پیش گیری از تمرکز و تراکم فزاینده فعالیت های اقتصادی در تهران، شهرهای متعددی برای ایجاد مجتمع های صنعتی در سطح کشور شناسایی و معرفی شده بود. در سندهای این دو برنامه نام حدود ۵۰ شهر به عنوان مراکزهای بالقوه سرمایه گذاری های صنعتی جدید آورده شده است. معیارهای انتخاب نیز همان گونه که پیشتر عنوان گردیده است دارای ابعاد سیاسی، توزیعی (عدالت اجتماعی)، جمعیتی، زیرساختی و محیطی بوده است. در عمل، پس از اجرای آن دو برنامه، از میان شهرهای مورد نظر فقط ۱۰ شهر محل اجرای طرح ها و پروژه های توسعه زای صنعتی قرار گرفتند (جدول ۱). عملیات اجرایی احداث مجتمع های صنعتی در کلیه این شهرها در طول دو برنامه انجام نگرفت. شهرهای اراک، اصفهان، اهواز، تبریز و تاحدی شیراز در طول ۱۰ سال اجرای برنامه ها دارای مجتمع های صنعتی قوی و مجهز شدند و در بقیه شهرها اجرا و راه اندازی مجتمع های صنعتی به سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کشیده شد. شهرهای بندر امام (مرکز صنایع پتروشیمی)، رشت، شیراز، قزوین، کرمانشاه و مشهد تا ۱۵-۱۰ سال پس از اجرای برنامه چهارم عمرانی (پیش از انقلاب اسلامی) دارای مجتمع های

جدول ۱ - توانایی اجتماعی شهرهای صنعتی شده در برنامه های سوم و چهارم عمرانی

شهر	ضریب همگرایی		مزیت اجتماعی		میزان توسعه پذیری	
	کل	صنعتی	ضریب مهارت	ضریب تخصص	شاخص ترکیبی	شاخص مرتبه ای
اراک	۱/۶	۱/۹	۰/۰۴	۰/۰۸	۵۲	۰/۰۴
اصفهان	۱/۴	۲/۲	۰/۰۹	۰/۲۳	۵۹	۰/۲۷
اهواز	۲/۲	۱/۲	۰/۰۹	۰/۲۱	۶۶	۰/۸
تبریز	۱/۴	۲/۳	۰/۰۹	۰/۲۴	۶۱	۰/۳
رشت	۱/۹	۱/۲	۰/۰۶	۰/۱۴	۵۶	۰/۰۸
شیراز	۱/۶	۱/۱	۰/۱۱	۰/۲۶	۵۵	۰/۲۲
قزوین	۱/۶	۱	۰/۰۴	۰/۱	۴۶	۰/۰۳
کرمانشاه	۱/۶	۱	۰/۰۷	۰/۱۶	۴۹	۰/۰۸
مشهد	۱/۵	۱/۵	۰/۱۱	۰/۲۷	۵۷	۰/۲۹



نمودار ۱ - میزان توسعه پذیری شهرها

شاخص های چهارگانه تبیین سطح توانایی اجتماعی در واقع هریک به عنوان یک عامل تأثیرگذار باید به عنوان یک متغیر مستقل عمل نمایند. محاسبه میزان "همبستگی پی یرسون"<sup>۲۰</sup> در مورد این شاخص ها در شهرهای برگزیده نشان می دهد که شاخص های همگرایی کل و صنعتی با خود و شاخص های مهارت و تخصص فاقد همبستگی است. شاخص ضریب مهارت با دو شاخص فوق فاقد همبستگی بوده اما با شاخص ضریب تخصص دارای همبستگی می باشد. شاخص ضریب تخصص نیز دارای شرایط مشابه ضریب مهارت قرار دارد (جدول ۲). بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که برای تحلیل توانایی اجتماعی می توان شاخص های همگرایی کل و صنعتی را به عنوان متغیرهای مستقل مد نظر داشت؛ و میان شاخص های مهارت و تخصص یکی را مورد عمل قرار داد.

شاخص های ضریب همگرایی (کل و صنعتی) و مزیت اجتماعی (مهارت و تخصص) هریک به تنهایی بخشی از توانایی اجتماعی هر شهر را نشان می دهند. ترکیب این شاخص ها با یکدیگر "سطح توسعه پذیری"<sup>۲۶</sup> شهری و منطقه ای را مشخص می نماید. سطح توسعه پذیری در این مقاله با دو روش محاسبه شده است و حاصل محاسبه با میانگین سطح ملی مقایسه گردیده است (جدول ۱). در روش اول که شاخص ترکیبی موریس<sup>۲۷</sup> به دست آمد؛ ۷ شهر از سطح میانگین توسعه پذیری کشور بالاتر بودند و در روش دوم که شاخص تحلیل مرتبه ای<sup>۲۸</sup> مورد نظر بود. ۵ شهر در این سطح قرار داشتند (نمودار ۱). این نتایج مبین تأثیر توانایی اجتماعی و پدیده رسیدن در سطح توسعه پذیری شهری و منطقه ای می باشد<sup>۲۹</sup>.

جدول ۲ - میزان همبستگی شاخص های توانایی اجتماعی

شاخص	همگرایی کل	همگرایی صنعتی	ضریب مهارت	ضریب تخصص
همگرایی کل	۱/۰۰۰	-۰/۵۳۶	-۰/۱۱۱	-۰/۱۹۶
همگرایی صنعتی	-۰/۵۳۶	۱/۰۰۰	۰/۱۳۴	۰/۲۲۴
ضریب مهارت	-۰/۱۱۱	۰/۱۳۴	۱/۰۰۰	۰/۹۸۷
ضریب تخصص	-۰/۱۹۶	۰/۲۲۴	۰/۹۸۷	۱/۰۰۰

## نتیجه گیری

این دو ضریب، به ویژه ضریب تخصص به صورت دقیق تر سطح انباشت سرمایه انسانی را در ناحیه نشان می دهد و یکی دیگر از عامل های ایجاد فعالیت های توسعه زا در یک ناحیه را تعیین می کند.

۳- شاخص توسعه پذیری حاصل از ترکیب ضریب های همگرایی و مزیت های اجتماعی نیز از جمله شاخص های زمینه ساز برای گزینش ناحیه های مستعد برای سرمایه گذاری در فعالیت های توسعه زا می باشد.

۴- ارزیابی شاخص های توانایی اجتماعی در شهرهای برگزیده براساس جدول ۳ نشان می دهد که اگر حد بالای هر شاخص را وزن ۳، حد متعادل را وزن ۲ و حد پایین آن را وزن ۱ بدهیم؛ وزن ارزیابی هر یک از شهرها براساس شاخص های چهارگانه و شاخص ترکیبی را می توان محاسبه و سطح توانایی اجتماعی شهرها را با یکدیگر مقایسه نمود. بدین ترتیب وزن ۵ حداقل وزنی خواهد بود که یک شهر می تواند در جدول فوق داشته باشد. وزن ۱۰ میانگین و وزن ۱۵ حداکثر وزن است. نمودار ۲ نشان می دهد که بیشتر شهرهای برگزیده بالاتر از حد میانگین و در میان آنها تعداد زیادی به حداکثر نزدیک می باشند.

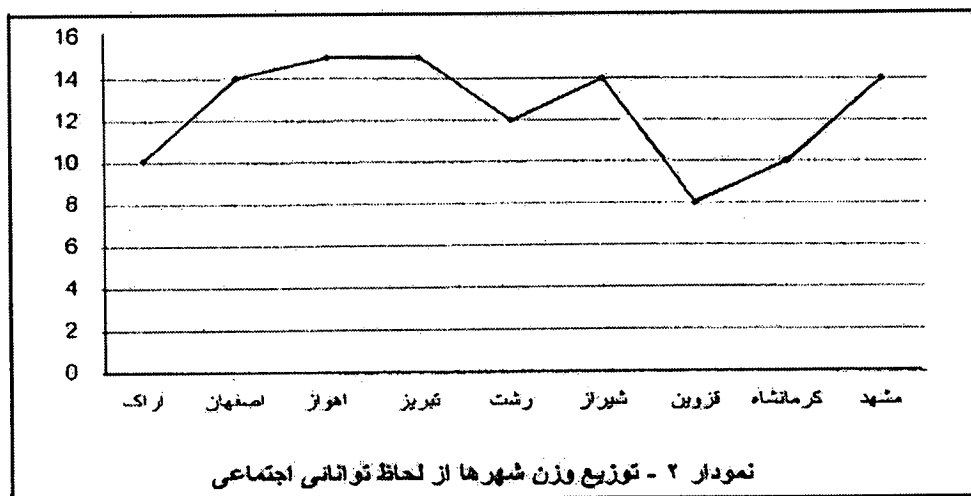
۵- بدین ترتیب می توان عنوان نمود که توان همگرایی و مزیت اجتماعی به عنوان عامل های بیانگر سطح توانایی اجتماعی برای رسیدن شهرها یا منطقه های توسعه نیافته به سطح ناحیه های توسعه یافته از جمله مؤلفه های زمینه ساز ایجاد توسعه به شمار می آیند.

در این مقاله گمانه اصلی بر این بود که شناخت زمینه های اصلی برای ایجاد توسعه شهری و منطقه ای در چارچوب نظریه "رسیدن قابل تبیین است. برپایه این رویکرد، کاهش شکاف فن آوری میان شهرها و منطقه های مختلف سبب کاهش شکاف بهره وری و منجر به رفع تفاوت های منطقه ای خواهد شد. در این قالب نظری، سطح توانایی اجتماعی برای رسیدن در هر شهر و منطقه بیانگر میزان دستیابی آن به سطحی از توسعه خواهد بود. پدیده توانایی اجتماعی در هر شهر و منطقه بر دو عامل اساسی توان همگرایی به شکل تبادل فضایی و مزیت های اجتماعی در قالب سطح سرمایه انسانی استوار است.

نتیجه حاصل از تحلیل پدیده توانایی اجتماعی در مورد تجربه توسعه شهری و منطقه ای در ایران نشان می دهد که :

۱- ضریب همگرایی فعالیت های اقتصادی و به ویژه همگرایی صنعتی، قابلیت های بالفعل توسعه در یک شهر یا منطقه را نشان می دهد. بالا بودن این ضریب در کل فعالیت های اقتصادی و اجتماعی عامل مهمی در ایجاد فعالیت های توسعه زا در یک ناحیه است. بالا بودن این ضریب در هر یک از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی زمینه های بسترسازی گزینش فعالیت های پیشگام و تخصصی را برای ایجاد توسعه فراهم می نماید.

۲- شاخص سرمایه انسانی به شکل ضریب مهارت و تخصص می تواند قابلیت های بالقوه توسعه در یک شهر یا منطقه را تبیین نماید. بالا بودن



جدول ۳- ارزیابی شاخص های توانایی اجتماعی

وزن	توانایی اجتماعی			مزیت اجتماعی						ضریب همگرایی						شاخص شهر
	توسعه پذیری			تخصص			مهارت			صنعتی			کل			
	پایین (۱)	متادل (۲)	بالا (۳)	پایین (۱)	متادل (۲)	بالا (۳)	پایین (۱)	متادل (۲)	بالا (۳)	پایین (۱)	متادل (۲)	بالا (۳)	پایین (۱)	متادل (۲)	بالا (۳)	
۱۰	-	+	-	+	-	-	+	-	-	-	-	+	-	-	+	اراک
۱۴	-	+	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	اصفهان
۱۵	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	اهواز
۱۵	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	تبریز
۱۲	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	-	+	-	-	+	رشت
۱۴	-	+	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	شیراز
۸	+	-	-	+	-	-	+	-	-	-	+	-	-	-	+	فروین
۱۰	+	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	-	+	کرمانشاه
۱۴	-	+	-	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	مشهد

مأخذ - متن رساله

## پی نوشت ها

- ۱ - Urban and Regional Development  
 ۲ - Catching up  
 ۳ - Social ability  
 ۴ - Convergence Capability  
 ۵ - Spatial Transaction  
 ۶ - Social Advantages  
 ۷ - Human Capital  
 ۸ - مورد پژوهی ها مربوط به رساله نگارنده در مقطع دکتری رشته شهرسازی است که در آن شهرهایی که طی برنامه های سوم و چهارم عمرانی پیش از انقلاب اسلامی، محل ایجاد قطب صنعتی بودند، با این دیدگاه مورد مطالعه قرار گرفته اند.  
 ۹ - Agglomeration economies  
 ۱۰ - Scale economy  
 ۱۱ - Location / urbanization economy  
 ۱۲ - هم سطح شدن و کاهش شکاف میان ناحیه عقب مانده و پیرامونی و ناحیه توسعه یافته و پیشتان به مفهوم رسیدن است. رقابت، پیشرفت فن آوری و گسترش سریع تر، این پدیده را تشویق و تقویت می کند (Gershenkron, 1952).  
 ۱۳ - پدیده رسیدن در مقوله مبادله فضایی معنادار است. عامل رسیدن در مبادله فضایی میان ناحیه های توسعه نیافته و پیشرفته سریعتر اتفاق می افتد و انتقال فن آوری و دانش شکل می گیرد (Hansson, Henrikson, 1997).  
 ۱۴ - اندوخته یا ذخیره بیشتر سرمایه انسانی، امکان جذب فرآورده ها و اندیشه های بدیع کشف شده در منطقه های توسعه یافته تر را آسان ترودر نتیجه امکان بهره برداری بهتر از توان بالقوه رسیدن را فراهم می سازد (Summers, Heston, 1991).



- Exportive Base - ۱۵
- Regional Growth - ۱۶
- Dynamic Regional Development - ۱۷
- Spatial Integrations and Industrial Development - ۱۸
- Hierarchy urban System - ۱۹
- Relative Advantages - ۲۰
- Outward Regional Development - ۲۱
- Albert, O. Hyrshmann - ۲۲
- Principle of Hidding Hand - ۲۲
- Regional Structure Effect - ۲۴
- Gerschen Kron - ۲۵
- Spatial Theories - ۲۶
- Trade theory - ۲۷
- Keynsian Demand Theory - ۲۸
- Relative and Competative Advantages - ۲۹
- Spatial Interdependency - ۳۰
- Export Base Approach - ۳۱
- Social Ability for Catching up - ۳۲
- ۲۳ - نتیجه محاسبه ضریب توان همگرایی با روش ضریب مکانی برای فعالیت‌ها اگر بالاتر از یک باشد به مفهوم بالا بودن این شاخص است که نشانگر مزیت نسبی و صادراتی بودن ماهیت آن فعالیت‌ها می‌باشد .
- ۲۴ - نسبت افراد دیپلم و بالاتر در نیروی فعال اقتصادی
- ۲۵ - نسبت افراد لیسانس و بالاتر در افراد دیپلم و بالاتر نیروی فعال اقتصادی
- ۲۶ - قابلیت و توانایی جذب فعالیت‌های توسعه‌زا The Level Of Capability Of Development
- ۲۷ - Mouris Compositive index(39)
- ۲۸ - Analytic Hierarchy index(39)
- ۲۹ - برای اطلاع بیشتر از این روش‌ها به متن رساله مراجعه شود .
- ۴۰ - Pierson Corelation Coefficient

## منابع

- Abromavitz, M. 1986. "Catching up, For going ahead, and falling behind" . journal of Economic history, 66.
- Alam, M.S. 1992. "Convergence in developed countries : An empirical investigation" . weltwirts chaftliches archive, 128(2).
- Barro, R.g. 1992. " Human Capital and economic growth " . From policies for Long-run growth, proceeding from a symposium sponsored by the Federal reserve bank of kansascity .
- Baumol , w.j. 1986. "Productivity growth, Convergence and Welfare". American economic review, 76.
- Bergstrom , villy , 1997. Government and growth. Clarendon press . Oxford.
- Flegg, A.T. and C.D. webber. 2000. " Regional size, regional specialization and the F.L.Q. Formula". Regional Studies journal of the Regional Studies association. vol. 3, NO. 6.
- Friedmann , john. 1966. Regional development policy: A case study of Venezuela. Cambridge, Mass, Mitpress.
- Gerschenkron, A. 1952. " Economic backwardness in historical perspective . " From B.F. Hoselitz. (ED). The progress of underdeveloped areas . University of Chicago.
- Hall, Peter. 1986. urban and regional Planning. third edition. Newton Abbut. London.
- Hansson, par. Magnus, Henrikson. 1997. " Catching up, social capability, Government Size and economic growth". From Bergstrom, villy. 1997.
- Hilhorst . jos. G.M. 1998. " Industrialization and Local - regional development revisited" . from Development and change. vol. 29
- Hoover, E.M. and J. Fisher . 1949. " Research in regional economic growth" . From problem in the study of economic growth . New york . National Bureau of economic research.

- Katz, L.F. 1992. " Commentary: Human Capital and economic growth" . from policies for long-run growth, proceedings from a symposium sponsor by the federal reserve bank of kansascity .
- Levine, R. and D. Renelt. 1992 . " A sensitivity analysis of cross country growth regressions " . American economic review , 82(4) .
- Lewis , arthur. 1982. Developmental Planning: The essentials of economic policy . Harper and Row (1966), G. Allen and unwin (1982), Firsted. 1915. New york and London.
- Lewis, Arthur. 1955. the theory of economic growth . Allen and unwin , London .
- Lucas, R.E. 1988 . " On the mechanics of economic development " . Journal of monetary economics , 22(1) .
- Malmberg, Anders. Bo. Malmberg. Perlunde, Quist. 2000, " Agglomeration and firm Performance: Economics of scale, localisation and urbanization among Swedish export firms " . From Environment and Planning A-22, No. 2.
- Misra, R.P. (ED). 1982. Regional development . Maruzen, Asia. Hong Kong.
- Penouil , marc . 1972 . " Growth poles in underdeveloped regions and Countries " . From Kuklinski, A. and R. petrella. (EDS.). 1972
- Petrella , Ricardo. 1979. " some notes on growth poles . " From kuklinski , A. and R. petrella . (EDS.). 1972.
- Psacharopoulilos, G. 1993. Returns To investment in education : A global update . World bank . WPS , 1067
- Richardson , Harry , W. 1978. " the State of regional economics : A survey article . " International regional Science review , vol. 3, No . 1.
- Richardson, Harry, w. and Pieter, M. Townro. D.F. Darvent. 1989. Regional Policy making. London
- Seers , D. 1977. " the meaning of Development " . International development review, 3.
- Summers, R. and A. Heston. 1991, " The Penn world table (Marks): An expanded set of international Comparison: 1450-88 " . Quarterly journal of economics, 106(2).
- U.N.C.R.D. 1975 . the growth pole approach to regional development : A case study of Mizushima industrial complex . Nagoya, japan.
- Wolff, E. N. and M. Gittleman . 1993. " The role of education in product activity Convergence : Does high education matter ? " From A. Szirmai, B. vanark and D. pilat (EDS.). Expanding economic growth . North Holland . Amsterdam .

معصومی اشکوری ، حسن . ۱۳۸۱ . توسعه صنعتی و تفاوت های منطقه ای در ایران (سال های دهه ۱۳۴۰ هـ . ش. به بعد) ، دانشکده هنرهای زیبا ، دانشگاه تهران .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی